

جراحی‌های متعدد زیبایی عاقبت تلخی داشت

جدایی مرد عاشق‌پیشه از زن عروسکی



گروه حوادث: پسر جوان که عاشقانه با دختر جوانی ازدواج کرده بود پس از سال‌ها زندگی بخاطر جراحی‌های زیبایی همسرش تصمیم به جدایی گرفت.

این مرد می‌گوید من به دختری با چهره‌ای ساده دل باختم اما روزی رسید که از هیچ نشانه‌ای از او در خانام نبود و فهمیدم با کسی زیر یک سقف هستیم که سال‌هاست غریبه‌ایم.

دختری با مانتوی مدرسه

همایون ۲۴ ساله در مغازه طلافروشی پدرش در مرکز تهران مشغول به کار بود که ناگهان دختر نوجوانی را که با لباس مدرسه پشت ویتترین مغازه‌شان ایستاده بود نگاهش را جلب کرد و همین نگاه او را یک دل نه صد دل عاشق کرد.

پسر طلافروش از فردای آن روز وقتی مدرسه دخترانه نزدیکی محل کارشان تعطیل می‌شد به بهانه‌های مختلف از مغازه بیرون می‌آمد تا دختر مورد علاقه‌اش را ببیند تا اینکه پس از یک ماه در حالی که دختر نوجوان نیز متوجه نگاه‌های همایون شده بود پیشنهاد دوستی از سوی پسر جوان را پذیرفت. بر نامه هر روز همایون و شهره

این بود که بعد از تعطیلی مدرسه با هم تا نزدیکی خانه دختر نوجوان بروند و عصرها نیز شهره به مغازه همایون زنگ می‌زد و با هم صحبت می‌کردند.

نزدیک به یک سال دوستی پسر جوان و شهره گذشت تا اینکه همایون تصمیم به ازدواج با دختر مورد علاقه‌اش را گرفت و شهره را از این تصمیم باخبر کرد که دختر نوجوان از همایون خواست تا پایان دوره تحصیلی‌اش صبر کند و پس از گرفتن دیپلم به خواستگاری او بیایند.

همایون وقتی دید دختر مورد علاقه‌اش جواب مثبت به به خواسته‌اش داده از همان دوران شروع به جمع کردن پول‌هایش کرد و با پدرش که هر روز در مغازه بود درباره علاقه‌اش به دختر نوجوان صحبت کرد و مرد طلافروش وقتی دید پسرش دیگر عاشق دختر نوجوان شده پذیرفت تا او را در این مسیر همراهی کند و فقط خواست تا منتظر بماند تا درس دختر جوان تمام شود.

خواستگاری عاشقانه

همایون ۲۶ ساله شده بود که درس شهره تمام شد و همراه پدرش بیرون از خانه می‌رفت و دیگر آن

زن خانه‌دار نبود و کمتر به مسائل زندگی اهمیت می‌داد و این در حالی بود که همایون با مشاهده این اتفاقات بخاطر علاقه‌ای که به همسرش داشت در برابر رفتارهای شهره سکوت می‌کرد و زندگی‌اش را ادامه داد.

حس پدرا نه

چند سال از زندگی مشترک شهره و همایون گذشت و زن جوان صاحب فرزند شد و هیراد کوچولو به دنیا آمد، زن جوان که قبل از تولد فرزندش هر روز در جمع دوستان و میهمانی‌ها دوستانه‌اش بود مدتی از آنها دور شد ولی از طریق اینستاگرام و شبکه‌های مجازی رفت و آمدهای دوستانش را بررسی می‌کرد.

هیراد ۳ ساله شده بود که شهره بار دیگر به جمع دوستانش پیوست و صبح که پسر کوچولوش در مهدکودک بود، شهره پیش دوستانش می‌رفت و بی‌اهمیتی به خانه هر روز باعث اعتراض همایون می‌شد اما مرد جوان بخاطر عشق به خانوادهاش و فرزندش سکوت می‌کرد. مدتی گذشت و شهره یک روز تصمیم عجیبی پیش روی همایون گذاشت و ادعا کرد قصد دارد دینی‌اش را جراحی زیبایی کند، همایون شوکه شده بود اما پذیرفت ولی این تازه شروع فانتزی بازی‌های شهره بود و زن جوان پس از عمل زیبایی بینی هر روز پیش دکترهای متخصص و زیبایی می‌رفت و به دنبال تغییرات بود.

در این سال‌ها شهره جراحی‌های زیبایی زیادی انجام داد و این در حالی بود که رفتارهای شهره باعث شده بود که زبانزد فامیل شود و خانواده همایون به خاطر این جراحی‌ها اعتراض کردند و جالب اینکه هیراد کوچولو که دیگر به مدرسه می‌رفت از پدرش می‌خواست که بعد از تعطیلی شمال تهران با دختران جوانی آشنا شود و همین شروع یک سبک جدید زندگی برای شهره بود.

تولدی دیگر

شهره که خیلی زود از دنیای درس و مدرسه وارد زندگی جدیدی متاهلی شده بود در همان نقطه شمال تهران با دختران جوانی آشنا شد و همین شروع یک سبک جدید زندگی برای شهره بود. شهره دیگر با دوستانش به بیرون از خانه می‌رفت و دیگر آن

پایان تلخ

همایون که دیگر از رفتارهای همسرش به خاطر تغییرات و

جراحی‌های زیبایی که انجام داده بود خسته شد و این در حالی بود که شهره هر روز با یک رنگ از خانه خارج می‌شد و مرد جوان دیگر نمی‌توانست همراه همسرش در جمع خانوادهاش باشد که این رفتارها دیدگر صبر مرد جوان را لبریز کرد و همایون خواستار جدایی شد.

شهره با شنیدن تصمیم شوهرش شوکه شد و با خواسته همایون مخالفت کرد و اصرار داشت که به زندگی‌شان ادامه دهند ولی رفتارهای شهره تغییر نکرد و او بیشتر از گذشته در جمع دوستانش می‌رفت و به زندگی کمتر اهمیت می‌داد.

همایون به دادگاه خانواده رفت و درخواست طلاق داد و بعد ۳ هفته نامه احضار به دادگاه به دست شهره رسید، زن جوان وقتی در برابر نامه احضار به قرار گرفت و فهمید که همایون دیگر تصمیم جدی برای زندگی‌اش کشیده بدون هیچ مخالفتی روز دادگاه در برابر قاضی دادگاه قرار گرفت.

ابتدا همایون شروع به صحبت کرد و به قاضی دادگاه گفت: من زندگی‌ام را عاشقانه شروع کردم و همیشه خوشحال بودم که توانستم با دختری که عاشقش بودم ازدواج کنم و روزهای نخست زندگی‌مان زیبایی خاصی داشت و همه خانواده‌ها به زندگی‌مان حسادت می‌کردند و زندگی‌مان مثال زدنی بود اما رفتار شهره تغییر کرد و همین باعث شد تا زندگی‌مان تغییر کند. مرد جوان ادامه داد: فکر می‌کردم با آمدن پسر، شهره دیگر در خانه می‌ماند و از جمع دوستانش دوری می‌کند اما شهره خیلی زود به جمع دوستانش بازگشت و بعد از تولد فرزندمان نیز مسیر جدیدی برای زندگی‌اش انتخاب کرد.

همایون ادامه داد: شهره هر روز به کلینیک‌های زیبایی می‌رفت و با توجه به وضعیت مالی خوبی که دارم همسرم همیشه دسترس راحتی به پول دارد و به همین خاطر

پس از عمل جراحی زیبایی بینی، جراحی‌های دیگر را شروع کرد تا حدی که شهره هر روز با یک رنگ از خانه خارج می‌شد و مرد جوان دیگر نمی‌توانست همراه همسرش در جمع خانوادهاش باشد که این رفتارها دیدگر صبر مرد جوان را لبریز کرد و همایون خواستار جدایی شد.

شهره پس از شنیدن صحبت‌های شوهرش به قاضی دادگاه گفت: من یک دختر نوجوان بودم که با همایون آشنا شدم و بعد از آن خیلی زود ازدواج کردم و به همین خاطر به سایت بانکی که در آنجا بود ورود کردم و مراحل پرداخت پول را با ثبت رمز دوم کار و مشخصات بانکی منتظر بودم تا اپلیکیشن نصب شود اما بعد از آن متوجه شدم که از حساب بانکی‌ام پول‌های زیادی برداشته شده است.

کارشناسان پلیس فتا با توجه به اینکه در گاه بانکی جعلی بوده و مرد ۴۸ ساله در زمان خرید همه مشخصات بانکی‌اش را در اختیار کلاهبرداران اینترنتی قرار داده است. تیم پلیسی با اقدامات فنی و کارشناسی خیلی زود موفق به شناسایی پسر جوانی که اقدام به برداشت غیرمجاز پول‌ها کرده بود شناسایی و ۸ بهمن ماه در عملیاتی غافلگیرانه حمید ۲۹ ساله در شرق تهران دستگیر شد.

متهم ابتدا سعی داشت خود را بیگناه معرفی کند اما وقتی در برابر مدارک پلیسی قرار گرفت برده از این کلاهبرداری میلیونی برداشت و با توجه به اینکه ماموران احتمال می‌دادند حمید همدستانی برای اجرای نقشه‌اش داشته باشد تجسس‌های پلیسی را آغاز کردند که متهم با توجه به سر نخ‌های پلیسی ۲ همدست دیگرش را لو داد. ماموران در این مرحله موفق به دستگیری

میتیم ۲۶ ساله و وحید ۳۹ ساله در شرق تهران شدند. **سرقت دینام‌های کولر خانهای فلاح در هوای سرد** دزدی با سوءاستفاده از سرمای هوا دینام کولرهای منازل محله فلاح را سرقت می‌کرد. هفته گذشته، طی تماس‌های شهروندان با پلیس ۱۱۰، ماموران در جریان وقوع سه سرقت از کولرهای شهروندان در این محدوده قرار گرفتند که با حضور تیمی از ماموران عملیات کلانتری در محل، مشخص شد یک متهم با توجه به خرابی قفل در بام ساختمان، وارد آنجا شده و با راه یافتن به بام، سه دینام کولر را سرقت برده است.

این شهروندان به صورت اتفاقی متوجه سرقت شدن دینام کولر خود شده بودند که با مشخص شدن این موضوع که سرقت‌ها طی یک روز صورت نگرفته است، ماموران آموزش‌های لازم را به مالباختگان دادند و قرار شد با حضور دوباره متهم در بام خانه، آنها سر بیاورند و ماموران را در جریان قرار دهند. سه شنبه هفته گذشته تیمی از ماموران عملیات کلانتری در جریان وقوع سرقت دیگری از همان خانه قرار گرفتند که این بار شکات موفق شده بودند متهم را همانجا گیر بیاورند و با حضور به موقع و سریع ماموران در محل، متهم دستگیر شد. متهم مدعی بود بعد از اعتیاد شدیدی که به مواد مخدر پیدا کرده از محل کارش اخراج شده و به دلیل بیکاری تصمیم به سرقت گرفته است. وی در خصوص شیوه سرقت خود عنوان کرد که با توجه به سرمای هوا و عدم توجه خافوارا به تجهیزات کولر روی بام‌ها، اقدام به شناسایی و پیدا کردن ساختمان‌هایی که ورود به آنها آسان تر از بقیه بوده، کرده و با استفاده از تجهیزات سرقت دینام کولر را به سرقت می‌برده است.

گفتند توبه کرده بودی؟

بله اما نشد! البته خودم مقصرم.

از اعتماد بگو؟

چه بگویم معنی و قدرش را می‌دانستم به اعتماد خیانت نمی‌کردم.

اگر دستگیر نمی‌شدی باز نزد مالباخته می‌رفتی؟

نمی‌دانم.

باز توبه می‌کنی؟

نمی‌دانم. جنبه این کار بزرگ را نداشتم خیلی شرمندهام اما در این مورد هم دارم به خودم دروغ می‌گویم چون وقت زیادی گذاشتم تا این سرقت را انجام بدهم مهربانی‌ها و اعتماداین مرد را نمی‌دیدم پس اگر می‌دیدم و شرمنده می‌شدم شاید دزدی نمی‌کردم اما کور بودم الان هم می‌دانم من را خواهد بخشید و امیدوارم آدم شوم.

بنابه این گزارش، تحقیقات برای افشای دیگر اقدامات تبهکارانه این دزدان ادامه دارد.

گفت و گو با دزد قدیمی

منصور از خجالت سر پایین انداخته است و باز باور ندارد دستگیر شده باشد:

قبلا زندان افتادی؟

بله چندباری

خب تو که کار داشتی؟

در آدمم خوب نبود یکسالی می‌شد دیگر کار نمی‌کردم.



جزئیات توبه دروغین یک تبهکار قدیمی

این دزد از اعتماد مردم بربان سوءاستفاده کرد

گروه حوادث: دزد حرفه‌ای قدر اعتماد یک مرد که به او کار داده بود را ندانست و با شکستن توبه‌اش دست به سرقت تلخی زد. راز این مرد زمانی فاش شد که پلیس تهران در اقدامات اطلاعاتی در جریان فروش مقداری اموال سرقتی در بازار سیاه شوش قرار گرفت.

عملیات بامدادی

بامداد چهارشنبه گذشته ماموران کلانتری ۱۱۷ جوادیه تهران در پی اقدامات اطلاعاتی‌ای که داشتند در جریان یک ماجرای عجیب قرار گرفتند. یک مرد با رفتن به بازار سیاه میدان شوش سعی داشت تا مقداری اموال سرقتی را به قیمتی پایین بفروشد. همین گزارش کافی بود تا بلافاصله ماموران تجسس در قالب تیمی عملیاتی وارد عمل شوند و با تحت نظر قرار دادن پاتوق تبهکاران مردم موز را در حال فروش یک کارت بانکی ردیابی کنند.

دستگیری دزد قدیمی

منصور ۳۲ ساله که تصور نمی‌کرد به این راحتی شناسایی شده باشد وقتی ماموران را جلوی خودش دید خواست راهی برای فرار پیدا کند اما خیلی زود منصرف شد و در برابر پلیس زانو زد.

اصرار به بی‌گناهی

منصور با اصرار بر اینکه اشتباه شده است

و او دزد نیست سعی کرد خودش را بی‌گناه نشان دهد اما ماموران در بازرسی بدنی به هفت کارت عابر بانک و چهار چک بانکی برخوردند که همگی دزدی بودند.

همدست دارم

منصور وقتی تحت بازجویی قرار گرفت چاره‌ای جز اقرار ننید و با پذیرفتن سرقت از یک آشنا اقرار کرد که در این دزدی همدست داشته است.

دومین دستگیری

منصور گفت: من و هوشنگ دوست هستیم و در این سرقت‌ها نیز همراه من بوده و در حال حاضر هم منتظر من است تا از شوش به نزدش بروم.

تعب مالباخته

مالباخته که توسط ماموران شناسایی شده بود تحت تحقیقات پلیسی با دیدن منصور تعجب کرد چرا که با وجود اطلاع از دزد بودن او یک سال پیش با اعتمادی که وی به ماموران داشت، منصور از کارگران قدیمی‌ام است که یک سال قبل در کارگاه من کار می‌کرد اما مدتی از وی خبر نداشتم تا اینکه این سرقت رخ داد و الان باور نمی‌کنم این مرد از اعتماد سوءاستفاده کرده است.

منصور تعجب کرد چرا که با وجود اطلاع از دزد بودن او یک سال پیش با اعتمادی که وی به ماموران داشت، منصور از کارگران قدیمی‌ام است که یک سال قبل در کارگاه من کار می‌کرد اما مدتی از وی خبر نداشتم تا اینکه این سرقت رخ داد و الان باور نمی‌کنم این مرد از اعتماد سوءاستفاده کرده است.